

## بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی

\* محمد عباسزاده

\*\* محمدباقر علیزاده اقدم

\*\*\* سیدرضا اسلامی بناب

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱۹

### چکیده

دگرگونی‌های پدید آمده در چند دهه اخیر به نحو چشم گیری بر شکل گیری و تشدید مشکلات اجتماعی در بین جوانان تأثیر گذاشته است. از جمله مشکلات ناشی از این تحولات می توان به آنومی اجتماعی در میان افراد جامعه اشاره کرد که بازتاب شرایط نابسامان و آنومیک است. به همین دلیل، مقاله حاضر به سنجش آنومی اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز و تأثیر سرمایه اجتماعی بر آن پرداخته است.

روش تحقیق، پیمایشی بوده و جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد تبریز در سال تحصیلی ۸۸-۸۷ می باشد که تعداد کل آن بر اساس مرکز آمار دانشگاه ۱۸۷۴۳ نفر بوده است؛ که از این تعداد، ۴۰۰ نفر به روش نمونه گیری طبقه ای به عنوان نمونه نهایی انتخاب شده اند. پس از جمع آوری داده ها، جهت آزمون فرضیه ها از آزمون های پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS اقدام شده است.

بر اساس نتایج تحقیق، میانگین آنومی اجتماعی در بین دانشجویان پاسخگو در حد متوسط به بالاست. نتایج تحلیل رگرسیون انجام یافته نشان می دهد که توان متغیرهای مستقل در تبیین واریانس متغیر وابسته در حدود ۱۲ درصد بوده و در این میان، مؤلفه های سرمایه اجتماعی (اعتماد نهادی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی) بر آنومی اجتماعی تأثیر گذار بوده است.

**کلمات کلیدی:** آنومی اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، دانشجویان.

\* عضو هیئت علمی دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز m.abbaszadeh1@yahoo.com

\*\* عضو هیئت علمی موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز

\*\*\* کارشناس ارشد جامعه شناسی

## طرح مسأله

توسعه روند جهانی شدن و ادغام پذیری مرزهای جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی و همچنین وجود مسائلی چون بیکاری، فقر، عدم انسجام و مواردی مانند آن، سردرگمی را در اکثر کشورهای جهان پدید آورده است. به بیان دیگر، جهان امروز در معرض بزرگترین تحولات تاریخ بشر قرار دارد؛ دگرگونی هایی که فرصت هنجاری شدن و انطباق با شرایط جدید را محدود کرده و در بسیاری از موارد، امکان تصمیم گیری مناسب را فراهم نمی آورد (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲). همچنین رشد سریع جمعیت، دگرگونی ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بی تناسبی عمیق بین توسعه فنی و فرهنگی و به عبارت دیگر، توسعه ناموزون در ایران معاصر موجب شکل گیری صور نامنظم و بی قاعدگی هایی گردیده که پیامد آن رشد نابهنجاری ها و انحرافات در شهرهاست (کلدی و رحمانی، ۱۹۲: ۱۳۸۵).

شتاب چنین دگرگونی هایی در کشورهای در حال توسعه به طور سرنوشت سازی بر شکل گیری و تشدید مشکلات اجتماعی افراد جامعه، به خصوص جوانان تأثیر گذاشته است. در این میان، آنومی به عنوان یک مشکل اجتماعی نیز ناشی از شرایطی است که بخشی از آن به دگرگونی های شتابان و بخشی دیگر به نابسامانی های موجود در جامعه مربوط است.

در شرایط آنومیک، به دلیل ضعف در حاکمیت هنجارها، تعرض میان آن ها و حتی پدید آمدن عرصه هایی فاقد هنجارهای روشن، عدم التزام به قواعد اخلاقی و اجتماعی پدید می آید و الگوها بخوبی راهنمای رفتارهای اجتماعی نیستند؛ به عبارت دیگر، در این شرایط، اختلال، تعارض، ناپایداری هنجارها و در برخی زمینه ها، بی هنجاری بوضوح قابل مشاهده است. در ضمن، گرایش به رفتارهای نابهنجار از مسائلی است که توسعه اجتماعی و اقتصادی و شکل گیری جامعه باثبات و دور از تنش و انحرافات را غیرممکن می سازد و هرگونه برنامه ریزی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی را با خطر مواجه می سازد (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲). بنابراین، مطالعه گرایش به رفتارهای نابهنجار و ریشه های آن با توجه به عواقبی که چنین گرایشاتی می تواند به همراه داشته باشد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

کلان شهرها نیز با قرار گرفتن در مسیر رشد و تحولات شتابان جهانی شدن از یک سو و رخدادهای مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و تغییرات ساختاری ناشی از آن در دهه های اخیر از سوی دیگر، بستر مناسبی برای وضعیت بحرانی و آنومیک بوده است. دگرگونی های پدید آمده در چند دهه اخیر به نحو چشم گیری بر شکل گیری و تشدید مشکلات اجتماعی

افراد جامعه تأثیرگذار بوده است. از جمله مشکلات اجتماعی و سیاسی؛ بی‌اعتمادی و سردرگمی، گسستگی پیوندهای اجتماعی، عدم جذب جوانان در بدنه اجتماع، عدم مشارکت و انزوای اجتماعی می‌باشد. حال بر اساس موارد یاد شده، مقاله حاضر، در پی پاسخگویی به این سؤال اساسی است که اولاً میزان آنومی اجتماعی در بین دانشجویان مورد بررسی تا چه اندازه‌ای است؟ و ثانیاً کدامیک از متغیرهای مورد بررسی، بیشترین تأثیر را بر آن داشته است؟ در این مقاله، تلاش شده است بر اساس رویکردهای نظری و تجربی، به سؤالات یاد شده پاسخی علمی ارائه گردد.

### پیشینه نظری تحقیق

#### سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه برای اولین بار به طور رسمی به نوعی در کارهای مارکس و در مفاهیمی چون ارزش افزوده متجلی گردید. سالیان متمادی طول کشید تا تعبیر و تفسیرهای انسانی تری از این گونه مفاهیم پدید آمد؛ به نحوی که به ضرورت موضوع، نقش سرمایه و انواع آن در آموزش نیز به تصویر کشیده شد. از انواع سرمایه‌ها می‌توان به سرمایه مالی<sup>۱</sup>، سرمایه فرهنگی<sup>۲</sup>، سرمایه انسانی<sup>۳</sup>، سرمایه زبانی<sup>۴</sup> و سرمایه اجتماعی<sup>۵</sup> اشاره کرد. سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد. بر اساس تعریف بوردیو، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا مجازی است که به واسطه مزیت پایدار شبکه‌ها و روابط سازمانی مستحکم شده و شناخت و آگاهی‌های متقابل، در افراد یا گروه‌ها شکل می‌گیرد. از نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده هستند. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی برای بوردیو آن بستر فرهنگی ناشی از ساخت اجتماعی است که در ارتباط مستقیم با عادات افراد و میدان فرهنگی ناشی از کنش‌های اجتماعی، سازمان یافته و صورت بندی می‌شود. جیمز کلمن<sup>۶</sup>، جامعه شناس

---

<sup>1</sup> Financial Capital

<sup>2</sup> Cultural Capital

<sup>3</sup> Human Capital

<sup>4</sup> Linguistic Capital

<sup>5</sup> Social Capital

<sup>6</sup> Coleman

آمریکایی، برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد. بر این اساس، «سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی است و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان پذیر می‌سازد در کنار بوردیو و کلمن، رابرت پاتنام<sup>۱</sup>، جامعه شناس ایتالیایی، از معدود افرادی است که تمامی نیروی خود را روی مفهوم سرمایه اجتماعی متمرکز کرده و پژوهش‌های بنیادینی برای سنجش و کاربردهای این واژه به انجام رسانده است. پاتنام، سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیم، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت، منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی، اعتماد و ارتباط متقابل اعضا، در شبکه، به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است. پاتنام، سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در نظام‌های سیاسی می‌داند. به اعتقاد او، سرمایه اجتماعی، وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجار و شبکه‌ها را شامل می‌شود که با تسهیل اقدامات از طریق آنها، کارایی جامعه بهبود می‌یابد. بنابراین از نظر وی، اعتماد یکی از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی بوده که عامل تسهیل همکاری‌ها است؛ و شبکه‌های اجتماعی نیز عامل گسترش اعتماد می‌باشد.

فرانسیس فوکویاما<sup>۲</sup> نیز همچون پاتنام در تعریف این مفهوم از وجود هنجارها و ارزش‌ها سخن می‌گوید. البته او هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه را مد نظر دارد و بر این اساس می‌گوید؛ «سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون در میان‌شان مجاز است، در آن سهم هستند؛ البته مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌شود، زیرا این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشد» (عباس زاده و مقتدایی، ۱۳۸۸). در واقع، فوکویاما معتقد است که اعتماد، انتظاراتی است که بر اساس هنجارهای مشترک و صداقت و رفتارهای همکاری جویانه ایجاد می‌گردد.

<sup>1</sup> Putnam

<sup>2</sup> Fukuyama

به طور خلاصه، سرمایه اجتماعی در برگیرنده روابطی در بین مردم است که به نوعی کنش را تسهیل می‌کند. این سرمایه تا حدی ناملموس است؛ زیرا در برگیرنده روابط شخصی است. سرمایه اجتماعی می‌تواند در سطح فردی و درون گروهی و همچنین در سطح بین گروهی کاربرد داشته باشد.

### آنومی اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و ارتباط سرمایه اجتماعی با آن

امیل دورکیم اولین بار در سال ۱۸۹۳ از مفهوم آنومی<sup>۱</sup> استفاده کرد، در نظر دورکیم، آنومی به وضعیتی در یک جامعه اطلاق می‌شود که در آن، هنجارهای اجتماعی نفوذ خود را بر فرد از دست بدهد. در چنین شرایطی، افراد دیگر برای اقتدار اخلاقی جامعه احترام قائل نیستند. بنابراین، افراد دچار احساس تشویش، سردرگمی و فقدان راهنمای اخلاقی می‌شود. تقاضاها و خواسته‌های مادی آنها بی‌حساب و کتاب افزایش می‌یابد و خودخواهی‌ها بر آنها غلبه می‌یابد. شرایط نابسامانی که مستعد بی‌نظمی، جرم و انحراف است، همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد آشکار گردد، افراد احساس می‌کنند هیچ‌گونه ملاکی در انتخاب‌های خود ندارند؛ در نتیجه، حالتی از گسستگی و بی‌سازمانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود (اسلامی بناب، ۱۳۸۸: ۶۶). در نظر دورکیم، پیامدهای آنومی در شکل نوعی نابسامانی فردی و در قالب تعارض شخصیت فردی و خودخواه انسان با شخصیت اجتماعی و دیگر خواه او متجلی می‌شود؛ نتیجه این تعارض این است که خواسته‌های وجدان جمعی، کارآیی خود را از دست می‌دهد. تضعیف فشارهای جمعی نیز موجب می‌شود که افراد به حال خود رها شوند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۴۳۰-۳۲۹). با تبیین این تئوری در چنین شرایطی، رفتارهای کجروانه اجتناب ناپذیر خواهد بود.

در سال ۱۹۳۸، رابرت کینگ مرتون، مقاله پیشگام خود را با عنوان «ساختار اجتماعی و آنومی» منتشر کرد. وی در تز خود پیشنهاد می‌کند که مقادیر جرم را می‌توان از طریق بررسی ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه به دست آورد. مرتون این تئوری را برای تشریح مقادیر نسبتاً بالای جرم و کجروی مطرح کرد (بزرگارد و کوکران، ۲۰۰۸: ۳۱).

---

<sup>۱</sup> Anomie

مرتون، تلقی دورکیم از آنومی را در قالب «نظریه فشار»<sup>۱</sup> خود بسط داد. او در توضیح دلایل تفاوت نرخ جرم در بین طبقات بالا و پایین ادعا کرده که دو ساختار در بروز جرم و انحراف دخیل است: ساختار اول، اهداف و آرزوهایی است که به لحاظ فرهنگی تعریف شده و تمام افراد جامعه در طول زندگی خواهان آن هستند. ساختار دوم، وسایل و راه‌های نهادینه شده برای رسیدن به آن اهداف و آرزوها. در سطح خرد، زمانی که فرد شیوه‌ای تأیید شده برای دستیابی به اهداف خود نداشته باشد، مستأصل شده و به وسایل نامشروع متوسل می‌شود. در سطح کلان هم وقتی جامعه توان ارائه ابزار و وسایل قابل قبول برای دستیابی به اهداف مطرح در سطح خرد را ندارد، خود باعث ایجاد آنومی می‌شود. البته جوامع از لحاظ درجه اهمیتی که برای اهداف و وسایل قائل می‌شود، بایکدیگر تفاوت دارد (شیانی و محمدی، ۱۲: ۱۳۸۶). مرتن بر این باور است که آنومی و بعضی از اشکال رفتارهای نابهنجار، بیشتر ناشی از جدایی موجود بین اهداف نهادی شده فرهنگی یک جامعه و راه‌های ساخته شده اجتماعی برای رسیدن به آن اهداف سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، شکاف بین اهداف و وسایل مشروع برای رسیدن به آن‌ها باعث شکست ارزش‌ها در سطح فردی و اجتماعی می‌شود (گارفیلد، ۱۹۷۷: ۲۷۲).

فرضیه اصلی تئوری مزبور این است که تنظیمات و سازوکارهای بازاری باعث ایجاد فشارهای آنومیک می‌شود. بازار، اهداف مادی را تقویت کرده و باعث افزایش حساسگری و گرایش ابزاری به سمت روابط اجتماعی می‌شود. وقتی این روندها ادامه پیدا می‌کند، احتمالاً آنومی روی می‌دهد. وقتی اهداف از حمایت فرهنگی بالایی برخوردار باشد، در حالی که ابزارهای هنجاری کنترل کننده، پیوسته نیرو و تأثیر خود را از دست بدهد، شرایط برای فعالیت‌های آنومیک مهیا می‌شود. در یک محیط آنومیک، کنشگران بیشتر با نتایج و بازدهی کنش درگیر می‌شوند نه با مشروعیت ابزارهایی که رفتارها را تنظیم می‌کند. تزیف کنترل هنجاری، احتمالاً به افزایش میزان رفتارهای نادرست منتهی می‌شود که جرم و کجروی هم در این مقوله جای می‌گیرد. (مسنر و روزنفیلد، ۱۹۹۷: ۹۳۶)

تئوری پردازان زیادی در طول زمان، تأثیر سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی) بر آنومی اجتماعی را بررسی نمودند، به طوری که در برخی دوره‌ها، تعداد آن‌ها افزایش و در دوره‌ای دیگر کاهش یافته است. اگر بخواهیم از این تفسیرها یک تقسیم‌بندی

<sup>۱</sup> Strain Theory

کلی داشته باشیم، می‌توان گفت که انواع این تئوری‌ها عبارتند از: تئوری انتخاب، تئوری‌های ساختار اجتماعی، تئوری‌های ترکیبی و تئوری‌های مرتبط دیگر. در هر یک از این تئوری‌ها سعی شده است تا به روش‌های مختلف از مفاهیم اعتماد اجتماعی و انسجام اجتماعی برای کمک به تبیین توانایی‌های متفاوت اجتماعی و انسانی در حل فرآیند وسیعی از مسائل جمعی مانند آنومی اجتماعی استفاده گردد. در زیر به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

از دیدگاه انتخاب عقلانی، افرادی که دارای انتخاب‌های عقلایی هستند، زمانی مرتکب جرم و کجروی می‌شوند که سود خالص مورد انتظاری که از این فعالیت به دست می‌آید، بیشتر از آستانه اخلاقی<sup>۱</sup> آنها باشد. بنابراین، با توجه به تئوری انتخاب ویلسون و هرنتین (۱۹۸۵)، می‌توان گفت که کاهش بالقوه پیوند و انسجام اجتماعی می‌تواند به آسانی به عنوان بازدارنده بالقوه در نظر گرفته شود؛ زیرا این کاهش از نظر فرد به عنوان هزینه‌ای برای گرایش به انحراف محسوب شده و اولین هزینه را با سود خالص آن مقایسه کرده و تصمیم‌گیری نهایی را نسبت به انجام رفتار اتخاذ می‌کند. در نهایت، براساس تئوری انتخاب عقلانی می‌توان گفت که در صورت وجود انسجام و پیوندهای اجتماعی و وجود روابط گرم متقابل و اعتماد کافی بین اعضای جامعه، افراد در اغلب موارد مرتکب جرم و کجروی نمی‌شوند، زیرا با انجام آن، شبکه روابط خود را از دست داده و از طرف کسانی که با آنها رابطه داشته‌اند، طرد می‌شوند (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۰).

سرمایه اجتماعی از سه دیدگاه نظری با جرم و کجروی ارتباط دارد: این سه تئوری، مستقل اما مطابق باهم در درون دیدگاه ساختار اجتماعی وجود دارد که عبارتند از: تئوری بی‌سازمانی اجتماعی<sup>۲</sup>، تئوری فشار<sup>۳</sup>، آنومی اجتماعی که هر یک از آنها به نوعی، رابطه بین سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی) و جرم و کجروی را تبیین می‌کند.

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی در پی مطالعات دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ مکتب شیگاگو در آمریکا تکوین یافته است. این تئوری در تبیین جرم و کجروی بر روی عوامل اجتماعی و اقتصادی، بویژه ساختار و سازمان اجتماعی جامعه تأکید دارد. از دید این تئوری به دلیل توسعه شهرنشینی، تغییرات سریع در صنعتی شدن، مهاجرت به شهرها و ... اجتماعات مدرن، بویژه

---

<sup>۱</sup> Moral Threshold

<sup>۲</sup> Social Disorganization Theory

<sup>۳</sup> Strain Theory

کلان شهرها، با تغییراتی مواجه بوده‌اند که موجب افزایش جرم و کجروی می‌شود (رید، ۲۰۰۰: ۱۱۶؛ کروم و دیگران، ۲۰۰۳: ۵-۴).

بر اساس این تئوری، شهرهای مدرن با تغییراتی مواجه بوده است، مثل تضعیف علاقه و روابط خویشاوندی، کاهش کارآیی نهادهای اجتماعی، تضعیف روابط همسایگی، کاهش انسجام اجتماعی، افزایش فقر، افزایش بی‌اعتمادی و مواردی مانند آن که محیط مناسبی برای کجروی و جرم فراهم می‌کند. فرض بی‌سازمانی اجتماعی بر این است که عدم وابستگی به نهادها و سازمانهای اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه و ... موجب رفتار انحرافی می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۳۷). به عبارت دیگر، این تئوری بر شرایط تأکید می‌کند (شرایط بی‌سازمانی) که در آن وابستگی به نهادهای اجتماعی و سازمان اجتماعی از هم پاشیده و دیگر کنترلی اعمال نمی‌شود.

بی‌سازمانی اجتماعی نشان می‌دهد، جوانان در کسب ارزش‌ها، روابط اجتماعی و توانایی برای کسب اهداف مشترک، تحت تأثیر والدین، همسایه‌ها و ساکنان محل می‌باشد. مشخصه‌های ساختاری، همچون فقر و بیکاری همگی پیش‌بینی کننده نتایج بی‌سازمانی می‌باشد؛ لذا، سطح پایین تر انسجام اجتماعی جوانان، اغلب با متغیرهای ساختاری مرتبط می‌تواند پیامدهای آنومی را افزایش دهد. (بون و دیگران، ۲۰۰۲: ۴۶۷) بنابراین، تئوری بی‌سازمانی اجتماعی چارچوبی فراهم می‌کند که گسیختگی شبکه‌های اجتماعی را که مبنای کنترل جامعه است به هم می‌ریزد. بنابراین، گسیختگی اجتماعی بر پیوندهای اجتماعی آسیب می‌زند، چون سطوح دسترس پذیری سرمایه اجتماعی و تأثیرپذیری جمعی را کاهش می‌دهد. (روز و کلیر، ۲۰۰۲: ۱۸۳)

به نظر منطقی می‌رسد که هر دو مؤلفه کلیدی سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت شهروندان) با سازمان اجتماعی مرتبط می‌باشد. مشارکت در فعالیت‌های شهری موجب افزایش پیوندهای اعضای جامعه شده و می‌تواند به عنوان مبنایی برای کنترل اجتماعی باشد. همچنین، مشارکت در فعالیت‌ها منجر به نظارت دیگر اعضای جامعه می‌شود که خود یک نوع مشارکت محسوب می‌شود. بنابراین، سطوح بالای مشارکت اجتماعی باعث تقویت سازمان اجتماعی و ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌شود و کاهش جرم و خشونت را به دنبال دارد. (مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۲۸۶)



مطلب مهم در تئوری بی سازمانی اجتماعی، مکانیزم‌های محلی افراد می‌باشد که باعث افزایش پیوندهای اجتماعی ساکنان و کاهش هر نوع جرم و بی نظمی می‌شود. پیوندهای اجتماعی بیشتر به عنوان عوامل غیر مستقیم تأثیرگذار بی سازمانی اجتماعی بر میزان کجروی و جرم می‌باشد (کویرین و ویتزر، ۲۰۰۳: ۳۷۵).

تئوری بی سازمانی اجتماعی، خود بر مبنای مفاهیم سرمایه اجتماعی و انسانی بنا شده است. سرمایه اجتماعی به مهارت‌های اجتماعی و منابع لازمه برای ایجاد تغییرات مثبت در زندگی اجتماعی نیاز دارد. همچنین، باعث افزایش ظرفیت عمل برای رسیدن به اهداف اجتماعی می‌باشد. ماهیت تئوری بی سازمانی این است که که برخی اجتماعات به دلیل اختلال در فرآیندهای رسمی و غیررسمی کنترل اجتماعی، قادر به خود تنظیمی مؤثر<sup>۱</sup> نیستند. سرمایه اجتماعی ماهیت و بنیان کنترل اجتماعی می‌باشد و آن، شامل اشتراکات اجتماعی نیرومندی است که برای تقویت نظم به وجود آمده و این همان چیزی است که باعث تقویت هنجارها می‌شود و در نتیجه، سطح انسجام اجتماعی افزایش می‌یابد. جوامع بی سازمان، همواره از وجود جرم و سایر شرایط تهدیدکننده، عذاب می‌کشد؛ زیرا آن‌ها دچار کمبود منابع کافی برای حفظ سرمایه اجتماعی می‌باشد (رژ و کلیر، ۱۹۹۸: ۸).

بر طبق تئوری بی سازمانی اجتماعی، سرمایه اجتماعی پایه و اساس کنترل اجتماعی است. آن نیروی جمعی بیرونی که برای تحمیل نظم به وجود می‌آورد، همان چیزی است که گروه‌ها را نسبت به تحمیل هنجارها و در نتیجه نسبت به افزایش سطوح کنترل غیررسمی‌شان توانا می‌سازد. بنابراین، اجتماعات سازمان‌نیافته تا حدودی گرفتار جرم و شرایط منفی دیگر می‌باشد، به خاطر اینکه آن‌ها قادر به انباشت سرمایه اجتماعی لازم نیستند (رژ، ۱۹۹۸: ۸).

گرایش‌های اخیرتر درون این تئوری بیشتر بر روی اثربخشی جمعی<sup>۲</sup> در کنترل جرم و کجروی تأکید می‌کند. از این دیدگاه، اجتماعات دارای توان سازماندهی بالای رفتار ساکنان از طریق نهادهایی مثل خانواده، مدرسه و اجتماعات دارای همبستگی زیاد، می‌توانند اثربخشی جمعی را توسعه دهد. اثربخشی جمعی نیز عبارت است از اعتماد متقابل و مشارکت در نظارت بر جوانان و حفظ نظم عمومی. جوامع با اثربخشی بالا به‌طور کلی میزان پایینی از

---

<sup>۱</sup> Effectively Self - Regulation

<sup>۲</sup> Collective Efficacy

خشونت و کجروی را تجربه می‌کنند (سیکل، ۲۰۰۳: ۱۸۲؛ مسنر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۲۸۶). لذا بر این اساس، هرچه اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی بالا باشد، جرم و کجروی و در نهایت آنومی اجتماعی به حداقل ترین سطح خود می‌رسد.

از جمله دیگر مطالعات بعد از دهه ۱۹۷۰ در ارتباط با تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، مطالعه کازاردا و جانویتز<sup>۱</sup> است که مدل «سیستمی»<sup>۲</sup> تحلیل جرم را بسط داده‌اند. در مدل سیستمی، تراکم و قوت شبکه‌ها به طور یکنواخت، توانایی جامعه برای کنترل جرم و کجروی را افزایش می‌دهد. مثلاً سمپسون<sup>۳</sup> استدلال کرده که ابعاد مختلف سازمان اجتماعی و جامعه می‌تواند به کنترل جرم و به تبع آن کاهش آنومی و از جمله رواج و تراکم شبکه‌های خویشاوندی و سطوح مشارکتی در سازمان‌های اجتماعی کمک کند. این فاکتورها به ایجاد و انسجام اجتماعی کمک می‌کند و مناطق دارای انسجام اجتماعی نیز کجروی و آنومی را آسانتر کنترل می‌کند. انسجام، ثبات و اعتماد متقابل ناشی از شبکه‌های متراکم و وسیع می‌تواند کنترل اجتماعی را تضمین کند. بنابراین، مکانیسم تبدیل پیوستگی و تعلق به جامعه و اعتماد اجتماعی، ساختار پیوندهای اجتماعی است (برونینگ و دیگران، ۲۰۰۰: ۶-۷). در واقع، تبیین پاتنام<sup>۴</sup> در رابطه با سرمایه اجتماعی و کجروی و جرم نیز مستقیماً ریشه در تئوری بی‌سازمانی دارد. بر اساس منطقی این تئوری، پاتنام استدلال می‌کند که شبکه‌های اجتماعی، زیرساختار سرمایه اجتماعی هستند. این زیرساختارها به گفته وی، اعمال معیارهای رفتاری مثبت در جوانان را ممکن کرده و برای آن‌ها، راهنمایان رفتاری<sup>۵</sup>، الگوهای نقش، حامیان آموزشی و فرصت‌های شغلی فراهم می‌کند. آن‌ها، همچنین با ایجاد حمایت مالی و عاطفی برای افراد، تأمین نفوذ و قدرت سیاسی و برانگیختن افراد داوطلب برای پیوستن به نهادهای اجتماعی به کاهش کجروی و آنومی می‌انجامد. برعکس شبکه‌های آسیب دیده، اعتماد و مشارکت پایین و انسجام اندک، جوانان را به حال خود رها می‌کند تا خود رفتار خودشان را هدایت کنند و احتمال این امر را که آن‌ها براساس انگیزه‌های زودگذر و خود تخریب‌کننده عمل کنند، افزایش می‌دهد. (مسنر و دیگران، ۲۰۰۴: ۸۸۴). به طور خلاصه، تئوری بی‌سازمانی اجتماعی نشان می‌دهد که دو مؤلفه اصلی

<sup>۱</sup> Kasarda & Janowitz

<sup>۲</sup> Systemic

<sup>۳</sup> Sampson

<sup>۴</sup> Robert Putnam

<sup>۵</sup> Mentors

سرمایه اجتماعی (اعتماد و مشارکت) با کجروی و جرم ارتباط پیدا می‌کند (مسر و روزنفلد، ۲۰۰۰: ۲۸۶).

در کل می‌توان چنین گفت که تئوری بی‌سازمانی اجتماعی بر شرایطی ساختاری و نوعی از سازمان اجتماعی تأکید می‌کند که نقطه مقابل اعتماد، مشارکت، همبستگی و پیوندهای اجتماعی است، شرایطی که در آن، شبکه‌های اجتماعی ضعیف، مشارکت در جامعه کم و اعتماد نیز اندک است.

براساس تئوری فشار، وقایع پرتنش در خانواده یا محله منجر به احساسات منفی و سپس بزهکاری می‌گردد؛ به ویژه اگر منابع هنجاری چیره شود؛ و حمایت والدین و همسالان قابل دسترسی نباشد. طبق این تئوری، می‌توان گفت که فقدان تعلقات اجتماعی و همچنین کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه و نیز در درون خانواده باعث می‌شود که افراد، هنگام روبرو شدن با منابع فشار نتوانند بر آن‌ها غلبه نمایند؛ در نتیجه احساسات منفی در آنان ایجاد می‌شود که منجر به کجروی و ناهنجاری خواهد شد (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۱۲).

تئوری بی‌سازمانی اجتماعی و تئوری فشار از سنت‌های تحقیقی و نظری متفاوتی به وجود آمده است. اگرچه، به لحاظ اینکه آن‌ها موضوع مشترکی دارد، معمولاً در یک فصل منظور می‌شود، هرکدام از آن‌ها، نظم، ثبات و هماهنگی اجتماعی را منشأ ایجاد هم‌نوایی می‌داند، در حالی که بی‌نظمی و عدم هماهنگی را منشأ بروز جرم و انحراف محسوب می‌کند. نظام اجتماعی، اجتماع، یا خرده نظام در درون یک جامعه در صورتی تحت عنوان یک نظام اجتماعی سازمان یافته و هماهنگ توصیف می‌شود که درخصوص هنجارها و ارزش‌های آن، نوعی اتفاق نظر درونی و اجماع رأی وجود داشته باشد؛ میان اعضای آن همبستگی قوی به وجود آید و تعامل اجتماعی به گونه‌ای منظم در آن جریان یابد. برعکس، اگر در همبستگی و انسجام اجتماعی آن خللی ایجاد شود، یا بین اجزاء و عناصر آن تفرقه و پراکندگی به وجود آید، نظام، بی‌سازمان و آنومیک (نابسامان) توصیف می‌شود. هر کدام از این نظریات، مؤید این نکته است که هر چه سرمایه اجتماعی و همبستگی و انسجام در درون یک گروه، اجتماع یا جامعه کمتر باشد، میزان جرم و انحراف در آن بالاتر خواهد بود. هر یک از آن‌ها تلاش می‌کنند میزان بالای جرم و بزهکاری در بین طبقات پایین محروم و گروه‌های قومی را تبیین نمایند. هر دو نظریه، در

برخی مواقع، به طور خاص بر گروه‌های بزهکار، مجرم و خرده فرهنگ‌ها نیز متمرکز شده‌اند (علی‌وردی نیا، ۱۹۵: ۱۳۸۴).

بنابراین تئوری‌ها، آنومی موجب تخلیه سرمایه اجتماعی می‌شود؛ زیرا اولاً، اعتماد زمانی شکل می‌گیرد که هنجارها محکم باشد و افراد بتوانند رفتارهای یکدیگر را پیش‌بینی کنند؛ از سوی دیگر، در محیط عاری از اعتماد، اگر سطوح مشارکت و شبکه‌های روابط کاهش پیدا کنند امری قابل انتظار است. آنومی اجتماعی باعث کاهش سرمایه اجتماعی و افزایش خشونت از طریق تضعیف هنجارهای مسلط بر رفتارها می‌شود. تعهد قوی به نظم هنجاری باعث افزایش اعتماد متقابل شده و در نتیجه کنش‌های متقابل شکل گرفته و از هنجارها تبعیت خواهد شد. بر عکس، وقتی مردم به همدیگر شک و تردید داشته باشند، نسبت به قدرت هنجارها بطور معکوس نمی‌توان اعتماد کرد (مسنز و روزنفلد، ۲۰۰۰: ۲۸۷). لذا به نظر می‌رسد که سطوح سرمایه اجتماعی باید با آنومی رابطه معکوس داشته باشد و آنومی نیز با کجروی و خشونت رابطه مثبتی دارد.

برطبق مورد یاد شده، زمانی که میان مردم اعتماد زیادی دیده می‌شود، آن‌ها با اطمینان از اینکه عمل متقابل تحقق خواهد یافت و هنجارها رعایت خواهد شد، خود نیز نسبت به نظم هنجاری تعهدی قوی خواهند داشت. در مقابل، عدم اعتماد موجب از میان رفتن ایمان نسبت به نیروی نظارتی خواهد شد. به عبارت دیگر، طبق پیش‌بینی تئوری آنومی، در محیط‌های بی‌هنجار، اعتماد اجتماعی کاهش یافته و در همان زمان، کجروی و خشونت افزایش خواهد یافت (لدرمن و دیگران، ۱۹۹۱: ۱۱).

در واقع، همان‌طور که کلمن اشاره می‌کند، وقتی اعتماد بالاست، افراد برای حفظ اعتماد به همدیگر سعی می‌کنند با رعایت هنجارها، اعتماد طرف مقابل را جلب کنند و همان‌گونه که پاتنام اشاره می‌کند، وقتی شبکه‌های مشارکت قوی است و متراکم، احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع جمعی بیشتر می‌شود. دلیل آن هم این است که شبکه‌های مشارکت، اولاً هزینه بالقوه عهدشکنی را افزایش می‌دهد، لذا فرصت طلبی و خودخواهی، منافع فرد را به خطر می‌اندازد و از سوی دیگر، این شبکه‌ها، هنجارهای قوی معامله متقابل را تقویت می‌کنند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۹۸-۲۹۷). لذا می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی بالا آنومی را کاهش داده و به تبع آن جرم و کجروی را نیز کاهش می‌دهد.

یکی از ابعاد تأثیر گذار سرمایه اجتماعی بر آنومی اجتماعی که در تحقیق حاضر به آن پرداخت شده است، متغیر اعتماد اجتماعی می‌باشد. به اعتقاد گیدنز<sup>۱</sup>، ایجاد اعتماد به شیرازه زمان و مکان مربوط می‌شود؛ زیرا اعتماد، یعنی ضمان و تعهد دادن به شخص، گروه یا نظام در طول زمان آینده. اندیشه اعتماد نیز یک اندیشه مدرن است. اعتماد باید دو سویه باشد تا مؤثر واقع شود و در قبال رخدادهای احتمالی در آینده، آسایش خاطر فراهم کند. به این دلیل است که گیدنز اعتماد را با اندیشه آسایش خاطر اولیه<sup>۲</sup> در شخصیت نیز مربوط می‌داند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۸۷-۱۷۵). به نظر گیدنز، جو دارای اعتماد، «پيله حفاظتی» می‌کند که در حقیقت، نوعی پوشش اطمینان بخش است که به حفظ و تداوم محیط پیرامونی ما کمک می‌کند (گیدنز، ۱۸۱: ۱۳۸۳).

به نظر فوکویاما، از یک سو، بی اعتمادی باعث فرسایش سرمایه اجتماعی گردیده و به انزوا، ذره‌ای شدن، گسسته شدن پیوندها و از بین رفتن شبکه روابط بین فردی می‌انجامد؛ و از سوی دیگر، با تحریک و برانگیختن افراد و جستجو برای یافتن جانشین‌ها، اغلب با پذیرش هویت‌های غیرقانونی (در باندهای بزهکاری، خرده فرهنگ‌های منحرف و نظایر آن) فرد را از حالت خود خارج کرده و او را از خود بیگانه می‌سازد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۲). به نظر پاتنام، اعتماد از مؤلفه‌های مهم و حیاتی سرمایه اجتماعی است. وی، سرمایه اجتماعی را به منزله شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی می‌کند که به وسیله اعتماد، گسترش یافته‌اند. او بر این نکته تأکید می‌کند که بدون اعتماد، اغلب فعالیت‌های اصلی زندگی روزمره غیرممکن می‌شود. او در کتاب «بولینگ یک نفره»<sup>۳</sup> بیان می‌کند که صداقت و اعتماد، اختلافات زندگی اجتماعی را حل می‌کند (تورگلر، ۲۰۰۷: ۴).

یکی دیگر از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مؤثر بر آنومی، انسجام اجتماعی است. از دید دورکیم، انسجام اجتماعی تنها به وسیله مواجهه با چیزی که وی نابهنجار می‌نامید، قابل تعریف است. نابسامانی، خودگرایی، فقر، ناهماهنگی و تقسیم کار تحمیلی همگی از دید دورکیم نمونه‌هایی از انسجام غلط بودند. بدین طریق، انسجام بهنجار مبین عکس این شرایط است. وی معتقد است که انسجام وقتی رخ می‌دهد که عواطف افراد به وسیله نمادهای فرهنگی

---

<sup>1</sup> A. Giddens

<sup>2</sup> Security Basic

<sup>3</sup> Bowling Alone

تنظیم شود، طوری که افراد متصل به جماعت، اجتماعی شده باشند؛ جائیکه کنش‌ها تنظیم و به وسیله هنجارها هماهنگ شده و نابرابری‌ها قانونی تصور می‌شود (ترنر، ۱۳۸۴: ۴۴۶).

انسجام اجتماعی در یک حوزه تعاملی معین شکل و معنی پیدا می‌کند. دورکیم، احساسی را که در میدان تعاملی به وجود می‌آید، عاطفه جمعی<sup>۱</sup> می‌نامد. از نظر دورکیم، عاطفه جمعی عمیق‌تر از طی مناسک جمعی (مثل اعیاد و مراسم ملی و مذهبی و غیره) به وجود می‌آید و بدین نحو موجبات افزایش و تحکیم انسجام اجتماعی را فراهم می‌کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۰: ۱۸۰).

عامل موثر دیگر بر آنومی اجتماعی که در تحقیق حاضر به آن اشاره شده است، مشارکت اجتماعی می‌باشد. مشارکت اجتماعی هر جامعه‌ای از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات میان افراد شناخته می‌شود. بعضی از این شبکه‌ها هم سطح (افقی) است و شهروندان برخوردار از وضعیت و قدرت برابر را دور هم جمع می‌کنند. اما بعضی دیگر، شبکه‌های عمودی است که شهروندان را بر اساس روابط نابرابر مبتنی بر سلسله مراتب به هم پیوند می‌دهد. در اغلب موارد، شبکه‌ها ترکیبی از روابط عمودی و افقی را شامل می‌شود. هرچه شبکه‌های اجتماعی در جامعه‌ای متراکم‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان بتوانند برای منافع متقابل همکاری نمایند. نمونه‌ای از پیوندهای مشارکت هم سطح (افقی)، پیوندهای خویشاوندی است که نقش خاصی در حل مسائل جمعی دارند؛ اما در سطح اجتماعی، تقویت همکاری شبکه‌های خویشاوندی در مقایسه با شبکه‌های مشارکت مدنی (عضویت مشترک در انجمن‌ها) کمتر است. شبکه‌های مشارکت مدنی که شکاف‌های اجتماعی را دور می‌زند، موجب همکاری گسترده‌تری شده و بدین ترتیب انواع شبکه‌های مشارکت اجتماعی بخش مهمی از ذخیره سرمایه اجتماعی یک جامعه را تشکیل می‌دهد. روابط متقابل میان منابع سرمایه اجتماعی، یعنی اعتماد، هنجارها و شبکه‌های مشارکت که خود تقویت کننده و افزایش دهنده می‌باشد، از ویژگی‌های جامعه مدنی است. نبود این ویژگی‌ها یعنی عهدشکنی، بی‌اعتمادی، فریب، بهره‌کشی، انزوا، بی‌نظمی و نابسامانی، در حفظ دوره‌های باطل توسعه نیافتگی یکدیگر را تشدید می‌کنند (پاتنام، ۲۸۵: ۱۳۸۰). توسعه نیافتگی نیز، شرایط و بستر مناسبی برای اعمال و رفتارهای آنومیک فراهم می‌کند.

<sup>1</sup> Collective Emotion

### پیشینه تجربی تحقیق

در سال ۱۳۸۲ توسط معاونت اجتماعی ناجا در مشهد در پژوهشی تحت عنوان «آنومی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان» انجام شده است. بر اساس این تحقیق، مهمترین انواع نابهنجاری‌ها عبارتند از: عدم تعهد و مسئولیت پذیری، مشکل ارتباط با والدین و مربیان و اعتیاد (خوشکار، ۱۳۸۲).

رفیع‌پور در تحقیقی با عنوان «آنومی یا آشفتگی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران» با طرح سه سوال اساسی به بررسی نابهنجاری‌های اجتماعی شهر تهران پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عدم رعایت هنجارهای رسمی، بسیار فراگیر است و نیز میزان رعایت هنجارهای غیر رسمی بالاست. دیاگرام علی‌نهایی این تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون نابرابری اجتماعی و وضعیت اقتصادی نامناسب بر نابهنجاری‌ها تاثیر دارد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

غفاری در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم» به بحث از آنومی و جرم می‌پردازد. به نظر او سرمایه اجتماعی می‌تواند نسبت به سازمان‌ها در ذهن افراد نگرش مثبتی ایجاد کند، به ویژه به این دلیل که عملکرد سازمان‌های نظارتی و سایر نهادها در جایی که شبکه‌ها قوی است و سطوح همبستگی هنجاری بالاست، مؤثرتر است (غفاری، ۱۳۸۷).

سمپسون و گروز (۲۰۰۰) در مطالعات خود نشان داده‌اند که رابطه‌ای قوی بین جنبه‌های مختلف بی‌سازمانی اجتماعی و عدم ثبات و انسجام اجتماعی وجود دارد. اغلب این مطالعات بر عوامل کلان در سطح اجتماع و رابطه‌شان با میزان جرم و کجروی متمرکز شده است. یافته‌های استارک<sup>۱</sup> (۱۹۸۷) نشان می‌دهد، ویژگی‌های ساختاری، نظیر بی‌ثباتی زیاد، عدم نظم و انسجام اجتماعی، همگی منجر به میزان بالای کجروی و جرم خواهد شد.

در مجموع، چنانچه بخواهیم یک جمع‌بندی کلی از تمام نظریات و پیشینه‌های تحقیقی موجود در این زمینه داشته باشیم، می‌توان گفت که به‌طور کلی برای کاهش نابهنجاری‌های اجتماعی تحت تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی دو استدلال اساسی وجود دارد:

استدلال نخست این است که سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن، هزینه‌های روابط (تبادل) اجتماعی را کاهش می‌دهد. در نتیجه باعث حل مسالمت‌آمیز تضادها، تفاوت‌های بین شخصی

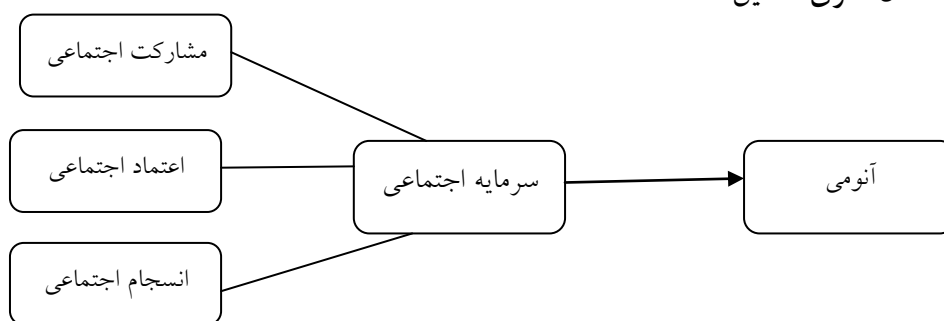
---

<sup>1</sup> Stark

(در خانه، محله و کار) و تضادهای اجتماعی (از قبیل درک تبعیض غیرمنصفانه فرصت‌های اقتصادی) می‌گردد. این استدلال در حقیقت اظهارنظر قطعی فوکویاما است مبنی بر این‌که اعتماد می‌تواند به طور چشم‌گیری باعث کاهش امری گردد که اقتصاددانان آن را هزینه‌های تبادل، هزینه‌های گفت‌گو و نظایر آن نامیده‌اند.

استدلال دوم این‌که جوامعی که در بین اعضایشان انسجام اجتماعی و پیوندهای قویتری وجود دارد بهتر می‌توانند کنش‌های جمعی خودشان را سازماندهی و بسیج کنند. این عامل، پتانسیل رفتار فرصت‌طلبانه خود را کاهش می‌دهد؛ بنابراین از پتانسیل تضاد و ستیز اجتماعی می‌کاهد. حال بر اساس چارچوب نظری و تجربی تحقیق، مدل نظری و فرضیه‌های زیر قابل استنباط است:

#### مدل نظری تحقیق



#### فرضیه‌های تحقیق

فرضیه کلی: بین سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های جزئی

- بین اعتماد اجتماعی و آنومی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی و آنومی اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و آنومی اجتماعی رابطه وجود دارد.

#### روش شناسی

در این تحقیق به لحاظ مفهومی از روش مطالعه اسنادی و از حیث تجربی برای بررسی متغیرها، تحلیل و آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری



اطلاعات پرسشنامه بوده است. که ابتدا پرسشنامه تحقیق مورد پیش‌آزمون (Pre-Test) قرار گرفته و با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ پایایی (Reliability) پرسش‌های چندگزینه‌ای و نیز پرسش‌هایی که در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند محاسبه شده است. پس از اصلاحات لازم مجدداً داده‌ها از طریق پرسشنامه نهایی جمع‌آوری شده است و آلفای کرونباخ برای آنها محاسبه گردیده است که در مجموع پایایی محاسبه شده برای هر کدام از پرسش‌ها در سطح مطلوب می‌باشد (جدول شماره ۱).

پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (مشمول بر آزمون‌های همبستگی، رگرسیون چند متغیری) انجام شده است.

جدول شماره ۱: نتایج تحلیل پایایی سنج‌های پرسشنامه

متغیرها	ابعاد	ضریب آلفای کرونباخ	تعداد گویه
آنومی اجتماعی	-	۰/۸۴	۱۱
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	۰/۸۳	۱۲
	مشارکت اجتماعی	۰/۷۵	۱۱
	انسجام اجتماعی	۰/۸۹	۹

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ هستند که تعداد کل آن‌ها بر اساس مرکز آمار دانشگاه ۱۸۷۴۳ نفر بوده است. نمونه به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی و با استفاده از فرمول کوکران و به تعداد ۳۷۶ نفر انتخاب گردیده است. برای جلوگیری از تأثیر پرسشنامه‌های گمشده و مخدوش بر نتایج تحقیق، نمونه آماری مورد نظر به تعداد ۴۰۰ نفر افزایش یافت.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{Nd^2 + t^2 pq}$$

$$n = \frac{18743(1/96)^2 (0/5 \times 0/5)}{18743(0/05)^2 + (1/96)^2 (0/5)(0/5)} = 376$$

### تعریف مفاهیم و متغیرها

آنومی اجتماعی: طبق نظر دورکیم، جامعه بی هنجار (آنومیک)، جامعه‌ای است که در آن، قواعد رفتار (هنجارها) شکسته شده و یا نادیده انگاشته شده است (سیگل، ۱۹۲: ۲۰۰۳). به نظر آبرکرامبی<sup>۱</sup>، آنومی وضعیتی اجتماعی است که ویژگی بارز آن از هم پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی است. مفهوم آنومی، شکاف موجود میان تفسیر عمل اجتماعی در سطح فردی را با تفسیر آن در سطح ساختار اجتماعی با پیوند میان آنها، پر می‌کند (شیانی و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۴). و از دیدگاه مرتون بی‌هنجاری، فقدان وسیله قانونی برای دسترسی به اهداف مشروع است (پوفر، ۲۰۰۹: ۲۱۳).

شاخص‌های سنجش آنومی عبارتند از: ۱- ناامیدی نسبت به آینده؛ ۲- احساس بی‌قدرتی و بدبینی نسبت به امور روزانه و عادی؛ ۳- نبود قاعده و قانون مشخص در زندگی؛ ۴- احساس عدم هدفمندی در زندگی؛ ۵- بیهوده تلقی کردن زندگی؛ ۶- غیرقابل پیش بینی بودن آینده؛ ۷- بیزاری از زندگی؛ ۸- عدم پایبندی به اصول اخلاقی و... که در سطح سنجش رتبه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است.

**سرمایه اجتماعی:** سرمایه اجتماعی از تغییراتی در روابط میان اشخاص حاصل می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند. این سرمایه در روابطی که بین اشخاص برقرار است، یافت می‌شود. سرمایه اجتماعی که برای رشد جوانان مهم است، منحصرأ در محدوده خانواده جای ندارد، می‌توان آن را در بیرون از خانواده و در جامعه نیز یافت (تاجبخش، ۷۸: ۱۳۸۴).

سرمایه اجتماعی، جمع منابع واقعی و یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر، عضویت در یک گروه است. این شبکه هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند، و آنان را مستحق کسب اعتبار می‌سازد. این روابط ممکن است فقط در حالت عملی در مبادلات مادی و یا نمادینی که آنان را در حفظ آن روابط کمک می‌کند، وجود داشته باشد. بدین سان حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک یک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طرزی مؤثر بسیج کند؛ و علاوه بر آن وابسته است به حجم سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، یا نمادین) در تصرف کسانی که وی با آنان مرتبط است. این بدان معنی است که

<sup>2</sup> Abercrombie

سرمایه اجتماعی اگرچه به سرمایه اقتصادی و فرهنگی مورد تملک یک فرد، یا حتی مورد تملک کل مجموعه عواملی که وی با آنها مرتبط است، نسبتاً تقلیل‌ناپذیر است، با این حال، هرگز از این حجم مفروض کاملاً مستقل نیست؛ چون مبادلات نهادینه ساختن شناخت متقابل، باز شناسی حداقلی از همگنی عینی را پیشاپیش ایجاب می‌کند. همچنین چون سرمایه اجتماعی بر سرمایه‌ای که او به سهم خودش در تملک دارد، اثری متکثرکننده اعمال می‌کند (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۴۸). برای سنجش سرمایه اجتماعی، مؤلفه‌های اعتماد نهادی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی مد نظر بوده است.

**الف) اعتماد اجتماعی:** فوکومایا (۱۹۹۵)، اعتماد را به صورت انتظاری تعریف می‌کند که در جامعه‌ای با رفتار منظم، مشارکتی، مشروع و بر پایه هنجارهای مشترک بر روی بخشی از اعضای جامعه رخ می‌دهد (بت، ۲۰۰۸: ۴۸۸). از سوی دیگر، هاردین<sup>۱</sup> بر نقش اصلی نهادها به مثابه ایجادکننده اعتماد اجتماعی هستند تأکید دارد (روبال و وسز؛ ۲۰۰۷: ۲). طبق دیدگاه جانسون<sup>۲</sup>، مفهوم اعتماد فرآیندهای شبکه اجتماعی و اقتصادی را تسهیل می‌کند؛ چون اعتماد ساختار مهمی در مدل کنش متقابل است. به نظر وی، برای ایجاد ارتباط اجتماعی، شخص باید بتواند فضایی آکنده از اعتماد ایجاد کند که در نتیجه، ترس‌های خود و دیگری از طرد شدن را کاهش داده، امید به پذیرش، حمایت و تأیید را ارتقاء بخشد (بت، ۲۰۰۸: ۴۸۸) به نظر گامبتا<sup>۳</sup>، اعتماد جزء جدائی‌ناپذیر و ضروری برای کنش‌های فرد تلقی می‌گردد. هر چه اهمیت اعتماد در کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌هایمان افزایش یابد، میزان انتخاب‌های ما در ارتباط با دیگران امکان‌پذیرتر و عملی‌تر می‌گردد (جیوستا، ۲۰۰۷: ۴).

در اینجا اعتماد در قالب سه سنجه اعتماد بین فردی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی مورد سنجش قرار گرفته است که نمره اعتماد اجتماعی از جمع نمرات سه مؤلفه فوق محاسبه شده است.

**اعتماد فردی،** به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران است. که میزان آن در افراد بر اساس طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است.

<sup>1</sup> Hardin

<sup>2</sup> Johnston

<sup>3</sup> Gambetta

**اعتماد تعمیم یافته**، اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع را شامل می‌شود که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری شده است:

- ۱- اکثر مردم در معامله با دیگران درستکار و بی‌شيله پيله‌اند.
- ۲- خیلی از مردم فقط در فکر خویش‌اند و واقعاً به جز خود به هیچ کس دیگر اهمیت نمی‌دهند.
- ۳- خیلی‌ها فقط از آن رو با تو دوست‌اند که در مواقع نیاز بتوانند از تو کمک بگیرند.
- ۴- شما تا چه اندازه به غریبه‌ها اعتماد می‌کنید.

**اعتماد نهادی**، بازگویی خوش بینی و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است. برای سنجش این معرف میزان اعتماد افراد برای شماری از نهادها و گروه‌های اجتماعی از طریق طیف لیکرت سنجیده شده و سپس با استفاده از جمع نمرات افراد شاخص اعتماد نهادی هر یک از آزمودنی‌ها محاسبه شده است (علی‌پور و دیگران، ۱۱۸: ۱۳۸۸).

**ب) انسجام اجتماعی**: مفهوم انسجام اجتماعی<sup>۱</sup> را می‌توان پیوندهای نظم یافته، تبادلات یا دوسویگی کردارها، را میان کنشگران یا جمع‌ها تعریف کرد. گیدنز، انسجام اجتماعی را معطوف به نظام مندی در سطح کنش متقابل چهره به چهره تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۸۳). انسجام به مفهوم بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها عضویت داشته و یا در آن‌ها مشارکت دارند (اسماعیلی، ۲۳۴: ۱۳۸۵).

معرف‌های انسجام اجتماعی: اهمیت دادن افراد به یکدیگر، احترام گذاردن به حقوق همدیگر، همکاری با همدیگر، کمک به هنگام گرفتاری، به فکر همدیگر بودن، دلداری دادن به همدیگر به هنگام مشکل حاد، وجود روابط محبت آمیز و انسان دوستانه میان افراد و....

**ج) مشارکت اجتماعی**: مشارکت به معنی به کار گرفتن منابع شخصی به منظور سهیم شدن در یک اقدام جمعی است. آنچه که مشارکت را تحقق می‌بخشد، گذر از حالت بالقوه به بالفعل است؛ صرف نظر از موفقیتی که حاصل می‌شود. «اوکلی معتقد است که مشارکت عبارت است از احساس سازگاری مردم و در نهایت افزایش پذیرش و توانایی آنان برای پاسخگویی به برنامه‌های توسعه از طریق درگیر کردن آنان با تصمیم‌گیری، اجراء و ارزشیابی برنامه‌ها، بر اساس تلاشهای سازمان یافته» (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۳-۱۲).

<sup>1</sup> Social Solidarity

معرف‌های مشارکت اجتماعی عبارتند از: شرکت در مراسم مذهبی، شرکت در نماز جمعه، مشارکت در انجمن‌های علمی، مشارکت در انتخابات، ارائه پیشنهادات برای حل مشکل در داخل دانشگاه، عضویت در تشکل‌های دانشجویی، میل به مشورت با دیگران در مشکلات روزمره، میل به تبادل اطلاعات با دیگر دانشجویان، مشارکت در تشکل‌های سیاسی، مشارکت در تیم‌های ورزشی دانشگاه و شرکت در نماز جماعت دانشگاه و ...

### یافته‌های پژوهش

#### یافته‌های توصیفی

برای سنجش انومی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته، ۱۱ گویه در سطح اندازه‌گیری فاصله‌ای استفاده شده است. نتایج به دست آمده با توجه به جدول شماره ۲، میانگین انومی اجتماعی در بین دانشجویان پاسخگو ۴۱/۷۴ و میزان چولگی برابر با ۰/۵۸ می‌باشد این امر بیانگر آن است که احساس انومی در بین دانشجویان در حد متوسط به بالاست.

برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی ۱۲ گویه طرح شده بود. بر اساس آماره‌های توصیفی، میانگین اعتماد اجتماعی ۳۱/۱۲ و میزان چولگی ۰/۴۱- می‌باشد. این داده‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان در حد متوسط به بالا است.

برای سنجش انسجام اجتماعی ۹ گویه طرح شده بود. بر اساس نتایج حاصله می‌توان گفت که میانگین این متغیر در بین دانشجویان ۳۳/۳۸ و میزان چولگی برابر با ۰/۱۶۱- می‌باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان انسجام اجتماعی در میان دانشجویان در حد متوسط بوده است.

برای سنجش متغیر مشارکت اجتماعی، ۱۰ گویه طرح شده بود. بر اساس نتایج حاصله می‌توان گفت که میانگین مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان ۴۱/۰۷ و میزان چولگی برابر با ۰/۸۴ می‌باشد که نشان می‌دهد میزان مشارکت اجتماعی در میان دانشجویان از مقدار متوسط به دست آمده کمتر بوده است.

در کل با جمع نمرات ابعاد سرمایه اجتماعی (جدول شماره ۲) می‌توان گفت که میانگین سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان پاسخگو از مقدار متوسط، اندکی کمتر می‌باشد.

جدول شماره ۲: آماره‌های پراکندگی مربوط به متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	دامنه تغییرات	مینیمم	ماکزیمم
آنومی اجتماعی	۴۱/۷۴	۱۰/۱۵	۱۰۳/۱۵	۰/۵۸	۵۱	۱۵	۶۶
اعتماد اجتماعی	۳۱/۱۲	۷/۰۸	۵۰/۲۳	-/۴۱۱	۴۰	۸	۴۸
مشارکت اجتماعی	۴۱/۰۷	۱۲/۲۷	۱۵۰/۶	۰/۸۴	۶۳	۱۳	۷۶
انسجام اجتماعی	۳۳/۳۸	۹/۱۵	۸۵/۸۳	-/۱۶۱	۴۵	۹	۵۴
مجموع سرمایه اجتماعی	۵۸/۳	۱۳/۸	۱۷۰/۳	-/۱۸۴	۷۱	۲۵	۹۶

### یافته‌های استنباطی

همبستگی هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با متغیر وابسته با استفاده از آزمون  $r$  پیرسون آزمون شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد: الف) همبستگی بین اعتماد اجتماعی و آنومی اجتماعی معکوس و معنی‌دار می‌باشد؛ بر این اساس می‌توان گفت که هر چه از میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان کاسته شود، به همان میزان، احساس آنومی اجتماعی در بین دانشجویان بالا می‌رود؛ عکس آن نیز صادق است.

ب) برای آزمون همبستگی بین دو متغیر آنومی اجتماعی و انسجام اجتماعی نیز از آزمون  $r$  پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصله نشان داد که فرضیه مذکور قابل تأیید است و نوع رابطه بین دو این متغیر معکوس می‌باشد. بنابراین، هر چه میزان انسجام اجتماعی یعنی، پیوندها و تبادلات دوسویه میان کنشگران، همکاری، احترام و روابط محبت آمیز و انسان دوستانه در بین دانشجویان رو به کاستی گذارد، به همان اندازه آنومی اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند؛ عکس آن نیز صادق است.

ج) نتایج حاصل از آزمون همبستگی بین متغیرهای مشارکت اجتماعی و آنومی اجتماعی نشان داد که فرضیه مذکور قابل تأیید و نوع رابطه بین دو این متغیر، معکوس می‌باشد. بنابراین، هر چه میزان مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان رو به کاستی گذارد، به همان اندازه آنومی اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند، عکس آن نیز صادق است.

در مجموع برای آزمون همبستگی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی و آنومی اجتماعی نیز از آزمون  $t$  پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد که بین دو متغیر یاد شده همبستگی معنی دار و معکوسی وجود دارد. (جدول ۳).

جدول شماره ۳: نتایج آزمون همبستگی بین متغیر آنومی اجتماعی و ابعاد سرمایه اجتماعی

اعتماد نهادی			متغیر وابسته متغیرهای مستقل
سطح معنی داری	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	
۰/۰۰۰	-۰/۲۶۴	۳۷۹	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۲۰۹	۳۷۷	انسجام اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۲۲۵	۳۷۷	مشارکت اجتماعی
۰/۰۰۰	-۰/۲۹۰	۳۸۰	سرمایه اجتماعی

### تحلیل رگرسیون چندگانه

هدف از تحلیل رگرسیون، مشخص نمودن سهم و تأثیر مؤلفه‌های عمده سرمایه اجتماعی در تعیین و پیش بینی تغییرات متغیر وابسته است. بر اساس نتایج حاصله که به روش رگرسیون همزمان<sup>۱</sup> انجام یافته است، می‌توان گفت که متغیر وابسته (آنومی اجتماعی) بیشتر متأثر از متغیر اعتماد اجتماعی است. نتایج جدول زیر (۴) حکایت از آن دارد که چهار متغیر مانده در مدل در مجموع توانسته‌اند ۰/۱۲ درصد از کل واریانس آنومی اجتماعی را تبیین نمایند ( $R^2=0/125$ ). همانگونه که یافته‌های جدول یاد شده نشان می‌دهد، سه متغیر اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی باهم در مدل دخالت داده شده و همه آن‌ها تأثیر معنی‌داری بر آنومی اجتماعی داشته‌اند. بنابراین، با توجه به یافته‌های اخیر می‌توان گفت که متغیر اعتماد اجتماعی در مقایسه با متغیرهای دیگر، در تبیین میزان آنومی در جامعه تعیین کننده تر بوده و دارای اهمیت خاصی می‌باشد؛ به طوری که می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر جامعه‌ای دارای اعتماد بالایی باشد، افراد آن جامعه کمتر دچار احساس آنومی خواهند شد و برعکس.

<sup>1</sup> Inter

جدول شماره ۴: آماره‌های تحلیل رگرسیون چند گانه آنومی اجتماعی

متغیر	بتا	t	سطح معنی داری	ضریب همبستگی چند گانه	۰/۳۵۴	
اعتماد اجتماعی	-/۲۳۱	-۴/۴۶	۰/۰۰۰	ضریب تعیین	۰/۱۲۵	
مشارکت اجتماعی	-/۱۷۵	-۲/۴۵	۰/۰۰۱	ضریب تعیین تصحیح شده	۰/۱۱۶	
انسجام اجتماعی	-/۱۳۱	-۳/۲۶	۰/۰۱۵	اشتباه معیار برآورد	۹/۵۸	
				کمیت دوربین واتسون	۱/۹	
				آنالیز واریانس	کمیت F	۱۳/۱۷
				سطح معنی داری	۰/۰۰۰	

### بحث و نتیجه‌گیری

مسائل اجتماعی جوانان ایران، هم گام با پدیده جهانی شدن و رخدادهای اجتماعی و اقتصادی دستخوش دگرگونی شده است. جوانان امروز از لحاظ احساسات، اعتقادات، نگرش‌ها و رفتارها با نسل‌های دیگر متفاوت هستند و لذا مسائل آنان هم در اثر تحولات پدید آمده، متفاوت خواهد بود. نتایج به دست آمده از پژوهش (۴۱/۷) نمایانگر وجود احساس آنومی زیاد در میان دانشجویان است؛ این ارزیابی گویای وضعیتی است که دانشجویان در آن، حالتی از گسستگی میان خود و جامعه را تجربه می‌کنند که بسیار نگران کننده و خطر ساز است.

بر اساس نتایج تحقیق، ضرایب همبستگی مربوط به متغیرهای مذکور در بین کل پاسخگویان نشان می‌دهد که متغیرهای اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و مشارکت اجتماعی با شاخص آنومی اجتماعی دارای رابطه منفی و معنی‌داری است؛ یعنی هر چه اعتماد اجتماعی، پیوندهای اجتماعی، خود باوری در فرد بیشتر باشد و فرد احساس مثبت بالایی نسبت به دیگران داشته باشد، اقدام به ایجاد روابط متقابل زیادی با اطرافیان خود کرده و همچنین اگر علاقه به کمک و همکاری با دیگران در فرد وجود داشته باشد، نابسامانی و کجروی در جامعه کاهش یافته و در نتیجه آنومی اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. همچنین نتایج حاصله از معادله رگرسیونی در میان کل پاسخگویان نیز حاکی از آن است که اگر چه متغیرهای اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی هر کدام به صورت جداگانه‌ای تاثیر منفی و معنی‌داری بر آنومی اجتماعی داشته‌اند، اما در بین آن‌ها متغیر اعتماد اجتماعی بیشترین میزان



تبیین آنومی اجتماعی را به خود اختصاص داده است؛ به طوری که این شاخص توانسته است به تنهایی ۲۳۱- درصد واریانس آنومی اجتماعی را تبیین نماید.

طبق یافته‌های این پژوهش، مواردی چون ناروشنی معیارها برای تشخیص راه‌ها و شیوه‌های درست از نادرست، بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، تصور بی‌اعتماد شمرده شدن از سوی دیگران، احساس تبعیض، تصور نامطلوب از شیوه‌های غلط پیشرفت در جامعه، بدبینی و ناامیدی نسبت به آینده و دستیابی به آرزوها و زندگی مطلوب، نارضایتی از زندگی، انزوا و فرد گرایی و گریز از مشارکت و همکاری، عدم همدلی و صمیمیت، احساس بی‌قدرتی، تصور مبهم از آینده، نبود قانده و قانون مشخص در زندگی، همه معرف شرایط نابسامان اجتماعی-اقتصادی در ذهن جوانان (دانشجویان) است که بر احساس آنومی اجتماعی تأثیرگذار بوده است. همانطور که در مباحث نظری آمد، در این شرایط، نسبت قابل توجهی از جوانان در انتخاب هنجارها و تبعیت از قواعد و رفتار دچار مشکلات جدی هستند.

در پایان، بر این نکته تأکید می‌شود که سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت و انسجام اجتماعی) می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند همچون سایر اشکال سرمایه محسوب شود؛ لذا ذخیره محدود سرمایه اجتماعی می‌تواند به عنوان شکلی از محرومیت در کنار فقر، نبود شغل و آموزش محدود مطرح گردد. اگر ذخیره موجود سرمایه اجتماعی برای رسیدن به اهداف مورد نظر کافی نباشد، در این صورت، تئوری‌های بی‌سازمانی اجتماعی و فشار می‌تواند مقادیر بالای جرم و کجروی را تبیین کند. به طور خلاصه، با توجه به دیدگاه‌های تئوری بی‌سازمانی اجتماعی، آنومی و فشار، سرمایه اجتماعی را می‌توان با مقادیر جرم، خشونت و کجروی مرتبط دانست که این عمل از طریق تعیین نیروی تنظیم‌کننده هنجارها و منابع مورد نیاز برای رسیدن به اهداف مورد نظر انجام می‌گیرد.

بر اساس نتیجه تحقیق پیشنهاد می‌باید با اعمال اهرم‌های تشویقی و یا هر عامل دیگر، دانشجویان را به سمت مشارکت‌های اجتماعی سوق داد تا از این طریق، با ایجاد حلقه‌ها و پیوندهای دوستی، سرمایه‌های اجتماعی آنان افزایش یابد؛ عاملی که می‌تواند به کاهش آنومی اجتماعی در بین آنان منجر گردد.

برای کاهش آنومی اجتماعی در بین دانشجویان طبق یافته‌ها، عملکرد سازمان‌ها و مسئولین سازمانی تأثیرگذار است، بنابراین، مسئولان سازمان‌ها می‌باید با عملکرد بهینه توأم با صداقت،

تدابیری اتخاذ کنند تا اعتماد دانشجویان نسبت به آنان جلب گردد. صورت تحقق این امر سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان افزایش و آنومی کاهش می‌یابد.

### منابع

- اچ ترنر، جاناتان (۱۳۸۴)، *پیدایش نظریه جامعه شناختی*، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷)، *نظریه انحرافات*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰)، «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهرستان کاشان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷: ۳-۳۱.
- اسلامی‌بناب، سید رضا (۱۳۸۸)، *بررسی امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد تبریز.
- اسماعیلی، رضا (۱۳۸۵)، «سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۳: ۲۲۵-۲۴۸.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: نشر سلام.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران: نشر شیرازه.
- چلبی، مسعود و مبارکی، محمد (۱۳۸۴)، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی*، شماره ۲۲: ۳-۴۴.
- خوشنکار، علیرضا (۱۳۸۲)، «آنومی اجتماعی در روابط اجتماعی جوانان»، *فصلنامه امنیت اجتماعی*، پیش شماره اول: ۱۰-۲۳.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی در شهر تهران*، تهران: انتشارات سروش.
- زتومکا، پیتر (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه شناختی*، ترجمه فاطمه گلابی: نشر ستوده.
- شیانی، ملیحه و محمدی، محمدعلی (۱۳۸۶)، «تحلیل جامعه شناختی احساس آنومی اقتصادی در میان جوانان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۵: ۱۱-۳۷.
- عباس‌زاده، محمد و مقتدایی، لیلا (۱۳۸۸)، «سرمایه اجتماعی و دانش آفرینی»، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۱: ۳-۲۸.

- علی‌پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۱۰: ۱۰۹-۱۳۵.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر (۱۳۸۴)، «مطالعه جامعه‌شناختی اعتیاد به مواد مخدر در ایران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۰: ۱۹۳-۲۱۲.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم»، در *مجموعه مقالات نخستین همایش پیشگیری از جرم*، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس: ۲۶۳-۲۸۹.
- کلدی، علیرضا و رحمانی، علی (۱۳۸۵)، «عوامل موثر بر ناپهنجاری جوانان»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۷: ۱۹۲-۲۱۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)، *معنای مدرنیت*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: نشر کویر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *تجدد و تشخص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- محسنی، منوچهر (۱۳۸۲)، *مشارکت اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات آرون.
- منصورفر، کریم (۱۳۸۲)، *روش‌های آماری*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Batt, peter J (2008), «Building Social Capital in Network», **Industrial Marketing Management**, , 487-491.
- Bjerregaard, Beth & Cochran, John K (2008), «A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do the Strength of Other Social Institutions Mediate or Moderatethe Effects of the Economy on the Rate of Crime?», **Western Criminology**, Review 9(1), Pp: 31– 48.
- Bowen, Natasha K; Bowen, Gary L and Ware, William (2002), «Neighborhood Social Disorganization, Families, and the Educational Behavior of Adolescents», **Journal of Adolescent Research**, Vol. 17 No. 5, Pp: 468 – 490.
- Browning , Christophre R ; Dietz, Robert and Feinberg, Seth L (2000), *Social Capital and Urban Crime: A Negotiated coexistence perspective*, URAI working Paper No. 00-07 at the Ohio stats University: 1-59, <http://www.ohio-stats.edu>.
- Garfield, Eugene (1987), «The Anomie-Deviant Behavior Connection: The Theories of Durkheim, Merton, and Srole», **Essays of an Information Scientist**, Vol: 10, Pp272 – 281.
- Giusta, Marina Della (2007), «A Theory of Trust Besed Systems of Intermediation», **combridge journal of Economics**, Pp: 1-17.
- Kubrin, Charis E & Weitzer, Ronald (2003), «New Dirertions in Social Disorganization Theory», **Journal of Research in Crime and Delinquency**, Vol. 40 No. 4, Pp: 374 – 402.

- Messner, Steven F; Baumer, Eric p and Rosenfeld, Richard (2004), «Dimensions of Social capital and Rates of Criminal Homicide» , **ASR** , Vol. 69, No. 6, Pp: 882-903.
- Messner, Steven F & Rosenfeld, Richard (1997), **Political Restraint of the Market and Level of Criminal Homicide: A Cross – National Application of Institutional – Anomie Theory**, The University of North Carolina Press, 75(4), Pp: 1393 – 1416.
- Messner, Steven F; Baumer, Eric p and Rosenfeld, Richard (2001), «Social capital and Homicide» , **social Forces**, Vol. 80, No. 1, Pp: 283 – 310.
- Puffer, P., (2002), **Durkheim did not Say Normlessness: The concept of Anomic Suicide for Introductory Sociology Courses**, southern Rural sociology, 24(1), Pp: 200-222.
- Reid, S. T (2000), **Crime and Criminology**, McGraw-Hill Higher Education, A Division of McGraw-Hill Companies.
- Rose, Dna A & Clear, Todd R (1998), «Incarceration, Social Capital, and Crime: Implications for social Disorganization Theory», **Criminology. Beverly Hills**: vol. 36, Iss. 3, Pp: 441- 479.
- Rose, Dna A & Clear, Todd R (2002). «Incarceration, Social Capital, and Crime: Implications for social Disorganization Theory», **Criminology. Beverly Hills**: vol. 36, Iss. 3, Pp: 183 – 200.
- Rubal, M & Voces, C (2007), **Confidence in Institutions and Social Trust**, Paper prepared for the ECPR Joint Session, Helsinki, Finland Escola Galega de Administración Pública Rúa de Madrid, 2-4.
- Sampson, R & Groves, B (1989), «Community Structure and Crime: Testing Social Disorganization Theory», **American Journal of Sociology**, 94, Pp: 774-802.
- Siegel, Larry, J (2003), **Criminology**, Wadsworth, A Division of Thomson learning Inc.
- Torgler, B (2007), **Trust in International Organization**, Australia, university of Technology.